# رحمت الله بر موسی که بیش از این مورد اذیت و آزار قرار گرفت، ولی صبر کرد.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در تقسیم غنایم «حنین» سهم بیشتری به برخی از مردم داد: به اقرع بن حابس صد شتر بخشید و به عیینه بن حِصن نیز همین مقدار بخشید و به تعدادی از اشراف عرب هم عطا نمود و سهمی بیش از دیگران به آنها داد. این بود که مردی گفت: به الله سوگند در این تقسیم عدالت رعایت نشده و خشنودی الله مورد توجه قرار نگرفته است. گفتم: به الله سوگند که به رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهم. سپس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم و ایشان را در جریان گفته ی آن شخص قرار دادم که چهره اش تغییر کرد و به شدت قرمز شد؛ آنگاه فرمود: «فَمنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ يعدِلِ اللَّهُ ورسُولُه؟»: «اگر الله و رسولش عدالت را رعایت نکنند، پس چه کسی عدالت را رعایت می کند؟» سپس فرمود: «يرحَمُ اللَّهُ موسى قَدْ أُوْذِيَ بِأَكْثَرَ مِنْ هَذَا فَصبرَ»: «رحمت الله بر موسی که بیش از این مورد اذیت و آزار قرار گرفت، ولی صبر کرد». با خود گفتم: از این پس هیچ سخنی را به رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی رسانم.

[صحیح است] [متفق علیه]

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه خبر می دهد که آنها در غزوه ی حنین بودند؛ غزوه ی حنین همان غزوه ی طائف است که بعد از فتح مکه بود. در این غزوه رسول الله صلی الله علیه وسلم غنایم زیادی از شتر و گوسفند و درهم و دینار به دست آورد؛ سپس در جعرانه توقف نمود. جعرانه محلی در انتهای حرم از سمت طائف بود. در این مکان توقف کرد و غنایم را بین کسانی که در این غزوه شرکت داشتند، تقسیم کرد. و در تقسیم آنها به اقرع بن حابس صد شتر داد و صد شتر به عیینه بن حصن داد و مقداری از غنایم را به اشرافی از عرب داد تا نظر آنها را به اسلام جلب کند. چون در صورتی که اسلام با هدایایی به آنها نیکی کند، کسانی که پیرو آنها هستند اسلام می آورند. و این قدرت و عزت اسلام را به دنبال دارد؛ در این میان رسول الله صلی الله علیه وسلم به کسانی که از ایمان قوی برخوردار بودند و به سبب اعتمادی که به ایمان شان داشت، چیزی نداد. در این میان مردی بود که وقتی نوع تقسیم غنایم را مشاهده کرد که از غنایم به اشراف قوم و روسای قبایل داده می شود و به عده ای چیزی داده نمی شود، گفت: به الله سوگند در این تقسیم عدالت رعایت نشده و خشنودی الله مد نظر قرار نگرفته است. وقتی ابن مسعود رضی الله عنه این سخن را شنید، به سرعت نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و ایشان را در جریان سخنان وی گذاشت. چون قبلا سوگند یاد کرده بود که ایشان را در جریان بگذارد. وقتی به ایشان خبر داد، رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار خشمگین شد تا جایی که رنگ چهره اش تغییر کرد و قرمز شد؛ سپس فرمود: «اگر الله و رسولش عدالت را رعایت نکنند، پس چه کسی عادلانه رفتار می کند؟» و به این ترتیب این برداشت نا بجا را انکار نمود. سپس فرمود: «رحمت الله بر موسی که بیش از این اذیت و آزار دید و صبر کرد». وقتی ابن مسعود رضی الله عنه متوجه شد رسول الله صلی الله علیه وسلم با شنیدن این مساله چه حال و وضعی پیدا کرد، با خود گفت: هرگاه سخنی از این دسته از مردم شنیدم که ناروا و نادرست بود، هرگز آن را به رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی رسانم؛ چون شدت ناراحتی ایشان از شنیدن آن سخن را شاهد بود. البته مادامی ایشان را در جریان نخواهد گذاشت که آن سخن با ضرر و زیانی متوجه رسول الله صلی الله علیه وسلم و اسلام همراه نباشد.